

سالیانه ۲۵۰ ریال
ششماهه ۱۶۰
۳ ماهه ۹۰
رای کارگران و کشاورزان و معلمان و کارمندان جزو رایز من می باشد تعقیف منظور می گردد



انجمن ملی معلمان
واحد شماره ۱۶۱
ج. پ. ش. دروی

نمای آنجمنها با دفتر اداره است
جای اداره:
(خیابان لاله زار - پاساژ مزار)

آذربایجان بکشند - مسئولین پیشین به قفس می شود
این روزنامه عضو هیئت است

حدهم مخالفین دولت سعاد روز بروز زیادتر میشود بمرجوبان کنگرانانی
که از اصفهان و اراک و رشت و تبریز و مشهد و رضایه و مازندران
و سایر شهرستانها رسیده شماره همفرزین و نمایش نهنگان از یکصد
و پنجاه هزار نفر تجاوز میکند همه اینها بر ضد کابینه ای که برخلاف
آزادی و دمی گراسی و دهنستی ما بین ایران و همسایگان رذائر کرده
مقتضای اقتراض کرده سقوط آنرا جدا خود اختار میباشند
رقم تقاضای وراثت شرکت کنندگان امیاشات ملی را در شماره ۱ آنجمن چاپ خواهد نمود

سئوال از سفارت گبرای

جغایر متجدد آمریکا

- ۱- آیا سفیر متصرف اطلاع یافته که روزنامه بعد از بروز واپسین شماره مجله آمریکا باستان عقابیات ایران منتشر کرده باشد؟
- ۲- آیا این بیگم باستان عقابیات ایران منتشر کرده باشد؟
- ۳- آیا این بیگم باستان عقابیات ایران منتشر شده است؟
- ۴- علت چیست که اخبار گرا باستان عقابیات ایران منتشر نشده است؟
- ۵- اگر چنین بیگم باستان عقابیات ایران منتشر شده است چرا و مقصد وادو معسوس خود امثال ایران که با مقاصد وادو معسوس این روزها مستعرب است؟
- ۶- اگر چنین بیگم باستان عقابیات ایران منتشر شده است به چه سبب است برای چه آقای سفیر گبر اینرا تکلیف ویا صحیح می پندارد؟
- ۷- انتشار این قبیل انقلاب در این موقع خطرناک است آیا سفارت دولت آمریکا واقی میفهمد اینها یک نوع تقنین باشد؟

انگوار کشتار در تبریز

مسافرینی که از تبریز رسیده اند
خبر کشتار جدید تبریز و نوکاید میکنند
از قرار معلوم بیشتر از بیست هزار
نفر از طبقات مختلف تبریز برای
اظهار اعتراض به سیاست دولت آتینک
به تبریز فرستاده شدند وادو معسوس
آنها را ادامه میدهد
آنها در خانه م و با دو سوختن
و تفرقه ستانن طایفی شروانی
یکصد نفر از آنها را پنهان کرده مردم
بسیار از مردم سله و شکایت مسلسل
قرار می دهند
عمه زبانی اجروح و جانهای معلول
شده اند
ما منتظریم که معبرین ما تفصیل
فشی و در هیچ روزی اطلاع یابیم
تنگران خانه این اواخر مهلا در
رساخن تنگران نامه میباشند
امس تنگران نامه که از چند روز
پست ما میرسد حکومت سعاد دارد
ملت را با مسلسل زرده پوش استمال
میکنند معن مردم را توب میخوانند

وزیر تعلیمات آنچه سعاد گفست؟

از قرار معلوم اداره گننه تعلیمات کابینه سعاد آقای مشار وزیر
تعلیمات و تفریق بود است - تعلیمات که از روزنامه های دولی بدر
عالم روزنامه های ملی و آزاد بخوان نوشته میشود که خاشر جامعه این وزیر
بنا لغیر می باشد جای بی شکایت است که آقای سعاد هنوز از تغییر نهنگام
هغه بیخبر است چه بیچاره روزنامه های کار میگرد و فلنا از سیاست معور سرتون
بنجم معافنه میباشند استفاده میکنند
اصطلاحی نیست که معالفا بعضی از روزنامه های دولی را را در بران در
بازر گرم کرده بخوردند بهیچ
آشناندان صدای آشنا
البته تبلیغات آلمان این و متصرفتون بجم و او میباشند و میباشند آقای
مشار همان روزنامه دولی است که امروز دستکام تبلیغات دولتی است
و تنگران وادو معسوس دولی را از آنجا انتشاره اشتغال کرده برای تقنین و جانفشان
بروو معسوسین کوکس میبردند
ملا اینرا انصافی نمیباشد آقای مشار در عینده خود مستقر کرده خلا
میخواهد ببیند - جانخواه آنرا کرده باشند

بظم ف ا

اسپانیا!

چنگ برای آزادی را از سر گرفته است

دیکتاتورهای فاشیست آلمان و
دولت را بر علیه حکومت جمهوری که
چندبار در مادری روی کار آمدند در
سود تکلیف بیان خویش بود - وادار
باشیست نوردند -
چنگ داخلی در اسپانی در گرفت
معتود معسوس دولی انتشاره را در فاند
سقوط آزادی می فرمودند و در وقت
و تسلیحات خود و در عین حال برای
توسعه و بازشی می گرداند تکیه گاههای
خویش در میان این جنوب مدیترانه ای
اروپا و تکلیف بیاید و نوق نامزد
در سرسرا آنگران و بلاتر معسوس
سودن فعالیت های دولتی می گرداند
در دریای مدیترانه جنوب میباشند استماعی
شده هستند مقدمات پیروزی و تقویت
ژنرال فرانکو را در مراکش اسپانیا
اراهم کردند و سپس از این ژنرال
و یاران و همستان او پشتیبانی کردند

آیا میهن پرست هستند؟

اینها میگویند میگویند بکشند؟
این دو بار از کشته عالم شربت
دیگر از کشته معاصرین می گویند
کویت فیلان ایرانی و لاری استان
روانی و بر فو ایران حالت آن را
تسکین میدهند
انجمن من المللی با تقویت این
دولت کویته که در واقع استفاده و حال
و دولت کوازه ازاد دولت بیست و
او توسعه و سربایت دولت آزادی که
در روسیه آغاز کرده بود دچار گیری
نا اید -
این دو بار از کشته معاصرین می گویند
کویت فیلان ایرانی و لاری استان
روانی و بر فو ایران حالت آن را
تسکین میدهند
انجمن من المللی با تقویت این
دولت کویته که در واقع استفاده و حال
و دولت کوازه ازاد دولت بیست و
او توسعه و سربایت دولت آزادی که
در روسیه آغاز کرده بود دچار گیری
نا اید -
این دو بار از کشته معاصرین می گویند
کویت فیلان ایرانی و لاری استان
روانی و بر فو ایران حالت آن را
تسکین میدهند
انجمن من المللی با تقویت این
دولت کویته که در واقع استفاده و حال
و دولت کوازه ازاد دولت بیست و
او توسعه و سربایت دولت آزادی که
در روسیه آغاز کرده بود دچار گیری
نا اید -

راندیری مسکو چه میگوید؟

سهشنبه ۲۳ ساعت ۶ صبح
آقای سعاد به باقم ملی ایران خیانت میکنند - از روزیکه رضا شاه
از سفارت برکنار شده هیچوقت ملت انتظار شتم و هفت خود را نشان نداده
آقای سعاد برخلاف این ازاد دولت قصد دارد ایام دیکتاتوری و شاهانه را
نویسد کند تسکین وزیر ایران در سیاست خارجی روسیه درسیه کارن نسبت به
شوروی بیخ گرفته است این امر باعث خشم و غضب مطبوعات ایران شده
می گویند سعاد باقم ملی ایران خیانت میکند -
تبریز و رضایه و سایر شاه که چندین هزار نفر از طبقات مختلف در آن
شرکت داشته اند سیاست سعاد را مورد افشاح قرار داده تقصیر می گردند که
سعاد نورا استعفا دهد و سیاست دولت تغییر کند ملت ایران آینه سعاد
آزمیز ایران را درک کرده و میفهمند که سعاد قادر نیست دیگر کسی را کول
برند - آقای سعاد ازاد دولت را درین معظوظه تهران اظهار داشت که میباشند
به این ایران در روسیه است است دوستانه است واریوریه غیر دوستانه ای
که سعاد پیش کرده است ادامه معناری را غیر میگردانند است - امروز
سیاست خود کویته سعاد آتکار شده و بطور علنی و گستاخانه بر خلاف
ملت ملت را می کند - اجرا کننده این سیاست دو مرحله اول خود آقای
سعاد می باشد دومی چندین شاه ایران و شوروی و سایر خاشر مرتزبین
ایران شده است - آنها می خواهند ایران را تبدیل به یک تکیه گاه حمله
فناشیر - بر ضد شوروی نمایند ولی تا کنون کویته می گویند که بهر روز
کپیته شده بود - باره خود و ایران از سرورث خبیلی از کشور های اروپا -
هغه دیوار اشتغال ایران شده اند نجات یابند - بیانش سعاد که امضاء شده واریش
سرخ است این استاتیکان و شال فتنان بلکه سگانه را هم هغه
چنگلی فاشیست ها تصرف آن دواز شده وودجات داد امسا در ایران
دسته ای از ارتش فاشیست که از ژانویه ۱۹۴۲ از نجرک بر علیه شوروی صرف
تصرف میگردند بود به نام سعاد دولت شوروی سپس میگردند اینروزها دولت
سعاد طالب این گروه است - اگر سعاد از دوستی ایران و شوروی دوری
روزد معسوس معسوس است دوزخ این روسه ایران میباشند اسود - بیچین
چیت از اکاف و طرف ایران تقاضای می شود که آقای سعاد استعفا دهد
زیرا مات ایران نهی خواهد در سیاست نخست وزیر کسی

ایران حربه داری و اتروج این

اللهم میکن بودند سعاد میگردد
و از مبارزه آنان آن غفلت میکند
سیاستمداران جهان که نوگران و
چیره خوانان همه خود خوار و تسکین
و فتنه جو هستند مخصوصا ما مشاهده
میکنند سعاد چه استعداد و فریبده استماعی
با تمام ماسخها شوروی خوب استراتژیست
نداشتند اینها میگویند بهر روز نیست
و بهر وسیله باشد این حلقه کابینه ای
تسیر و وحش میکند و این روزها کویته ای
وا که بدنیای جدید باشد خود - روی
جهانیست بهشده
برای این منظور خدائانه - اولین
تصرف شیطانی که پیش کشیده ایجاد
کند دیوار و یک لقمه معسوس فاشیست
بفرو بود که آنرا با بودت در روزهای
آن کشور بزرگ افشا کرده دنیایی
سرمایه داری را میگرداند و استعماق
آن بیست و سیصد سال بنام آزادی می
و متوری و فرهنگ و اقتصادی خود
تلا نمود

گزارش

در نمایشگاه روابط فرهنگی ایران و شوروی

پرشب داده‌ت سمیت روابط فرهنگی ایران و شوروی
مدیران جراید در نمایشگاه آن سازمان حاضر شده بود .
در آن نمایشگاه بواسطه یکمهالی که اغلب از مسئولین اسرای آلمانی
در آورده شده است مافخر و مشتاق گیزی که اوتش آلمان در خانه شوروی ایجاد
کرده اند مجسم میشود .
از غیر معلوم عکسهای نابرد و آلمان ها بر این تابلو قسم
داشته بودند .
چند تابلو توف در نمایشگاه که بشهر و شهر و شهر
داشته است و یکجمله اسراها بواسطه بلبانت و تانکین و اسراهای دونه پندین
شده علامت و آثار فرهنگ آن ها را باین روش وشبهه و عرض چند ماه معر
و با بود میکنند .
ما خوانده گان آذربایجان توصیه میکنیم باین نمایشگاه که حاکی قتل و
غارت و بستی بزرگترین جنایت کاران عصر حاضر است سری زده معنی نظم
نویس هیناری را علاه کرد نباید .

مصافحه ادبی

قربانی نان!

منتهی رمضان و دیگر شور دازی و باض امروزی اجساد معله صا
در دوشکخانه مشافه بازارچه که بس هموشهر مینان آید بود زندگی میکرد
و چون مابین خانه مادر خوشخانه جز باقیه کوبک چیز دیگر فاصله نبود
همیشه با آواز شکرش اهل منزل مایل رسید کردی از دست او شانه گلی
می برید و دقایق باوجود این آواز من و گرمش که از سینه بروردی بر می
آمد باستانی دو دل می نشست ایشاری که میخواند معسرد و بکسوات و آزان
جهانین سر برد که اغلب تکرار میکرد
دلا بسید که سوز نو کاه ها بخند

نواز تپه شبنم شبنم شبنم شبنم شبنم شبنم شبنم
ولی بکشت زمستان دون قدمه این آواز شمع شد . فردا شب هم
صدای شبنمیدم . شب بد بود . سکوت گفتم: اگر چه از علت این سکوت
بی موقع مطلع نبود ولی آنرا شنیده بودم . شبنم آمد خودی نیدانستم .
دوسه روز بعد هنگامی که می خواستم از خانه خارج شوم شبنم رمضان
خالی گند . مهنه گامی که مراد به سینه سکرد و من هم اربابانه تپس کرده و
جواب او را دادم . صورتش از سینه معزونه رو در کشید بریده چشماش
انزوی خوابی و با گریه فرمز شده و روی هم رفته از همه وقت انسدند تر
بنظر می رسید .

پرسیدم : چرا چند شب است دیگر صدایت تو نی آید ؟ چرا دیگر
آواز نمی شنوی ؟ در پاسخ گفتم : آقا ای مگر این زندگی برای آدم دل و دماغ
کارها را میگذارد .
مگر آنجا نیکو نه تا زگی پیش آمده بودی زاده که این طور دل
دماغ را سوزاند .

پیش آمده بود چه ؟ تمام زندگانی ما پیش آمده است . بدبختی ما
که تا زگی و کهنگی گذارد .
می راست می گفتم ولی باوجود این باید تا زودی زاده باشه که این
قدر دور تا زین کرب و بیکاریه ترک شو خندگی کردی
چند تابه سکوت کرد گویا میخواست انگار شورا مرتب کند و شاید می
خواست تصمیم بگیرد

بیکدیگر دو بار هم سر و گردن در آن تکان داده و متلاوبا بصورت من و زمین
انگاه کرده و با لایحه چنین گفت:
گوشه از کلتن دور بردی اما نشد ولی هر چه باشد برای یکدیگر
هم شده گوشه از بار چه آید آردا گرفته و بدانی که می کند . بنیاسیران
اگر اجازه می دهد شرح قضیه را از اول خدمتتان عرض کنم
از شا چه بنیان چندان علاقه شبنمیدانستان و دانشم زیرا از طرفی
شود را خیلی بالاتر از او دانسته و درود دل کردن با بکشتن کارگر از پایین
تر از شان خود میدیدم . اطراف بکسوات اناری می گذشت و مسکن بود
بخطار شبنمیدانستان بی سر و بی کفتر و فنگر کرمز بر اسم کشیده و
غدای نخواست قسمتی از موقوم را شنوان جریه کرده می گفتند .

ولی امان اولاد آذربایجان . همگی بفرودنا می مارا راحت میگذارد :
دل می خواست اولاد آدمی مهربان بنده از دل جلوه داده و بهمانگه کنی
برای خاطر چنین اشعاش می حاضر وقت مزیر خود را تلف نمایم ناچار دهان
را بتپس گشوده و باسوردی ملا مچرا را از او پرسیدم .
در پاسخ من چنین گفت :

آقا . ای خدا شنیدم که آن کوبولی نان کوبولی و این بازی هارا برای ما
دو آورده اند برتر ما می شناسد . از روزی که این کوبولی بازی شروع شد
یک لقمه نان راست از گزلی ما بچاره ما بر ترفند ولی چه چاره مجبور بودیم
و با جبار می ساختیم روزها و آنده بپوهادار می فرستادیم دکان نانوا می و بعد از
بیک دو ساعت معطلی روزها را در می گذارند .
البته این کار خیلی در دوسر داشت از هاضطرا نقش شبنم داشت از آزان
تو سر و خوردن داشت از ترس جیب بر پول و کوبین را دو دست
چسبیدن داشت .

ولی هر طور بود من اشتیاق و محبت خاصا چون آدم بلایه بودیم و با
آزان دم دکان سلام و علیکی داشتیم نان مان را فردا شبنم میر جرب تر
می کشیدند .
بگوروزیقه و الله بپوهه بخاله آدم گوت که نان مان فردا نانوا می باشد
و بپوه مردم نان سیاه می دهند . گفتم خدا با بامید تو ما که باهر و نکش باخته
و با این درنگش هم میزایم .

فردا صبح تپه آنتاب و قبه دنبال نان رفت و معام شبنم و آورا ت
آتش کرد و بپوهه با خطار شبنم و نان رقیه شیری شد . ترسیدم که
غدای نخواستد در این غلظتانی شلغ خظری پیش آمده باشد ناچار لباس
پوشیده و از خانه خارج شدم تا بیکه خبری بگیرم
اما دا رو در بد شمع همین که رسیدم سر گویه دیدم جیب فوشانی
است در مقابل شبنم شبنم شبنم و دلا و لا و فریاد با سمان رفت و در طرف
شده در کنار باده و مردم هر روز در صف ایستاده اند اما نه میانه صم صم
تا چشم کار می کرد و آزان بود و آذالها با باقوم کشیده بر سر آنها که از صف
خارج میشدند میگویندند .

از آزان پیش پرسیدم : سر کار دیگر این چه ساطی است در جواب
گفت داداش منگر از پشت کوه آمده ای که از اینجی جیزه اطلاع نداری گفتم
بعدا از پشت کوه میامدما ولی از اوضاع اینجا هم دست سر تو نی آید
سابقا که مارا اجباری می بردند در منطقه میطور بپغضمان می کردند ولی
آن وقت ما بدگیزکن هارا با شبنم می بردند .

انقلاب تپس

با اطلاعای که روزنامه داد دو شماره گذشته خود منتشر کرد در تپس
نمایشات بزرگی در جنبه دولت ساخته تشکیل و کار بود و خورد کشیده در اثر
مدعا شده تپس دوان چه گذارته و زخمی شده اند .
از قرار معلوم این انقلاب روز بروز بر شفت خود میازاید بنا بیکشته
مسافرت و نامه های رسیده مردم آذربایجان است . تپس به دولت و کار تپس
مطین هستند .
مخصوصا اخبار نامه های تپس که آذربایجان به تپس های دیگر
دولت که از راه و مداخلات نام میزند در آذربایجان و ضمیمه تپس
گرد است اگر دولت ساعد تپس سکونت کار چه جای تپس یکشته .

نگار نظام شوروی

از مشاهد

مجلس شورای ملی در نوشترا کبیر
نوفه و نوشت و میر و نوشت آذربای
نوشتران و نوشت اطلاعات و نوشت
آزادگان نوشت ایران تمام نوشت
ایران نوشت مهر ایران روز جمعه
آبان دو بیکته بزرگ که قریب پنجاه
هزار نفر دانی شرکت کرده در مشهد
تشکیل شد شرکت کنندگان در بیکته
نسبت یکایک ساعد آموزش سیاسی شعر
ناگی و آه که در پیش گرفته است اظهار
نرت کرده و نوشت بیکته است فورا
ولی روابط فرهنگی و اقتصادی معسکی
بین ملت ایران و ملل دوست و مجبور
ما اتحاد جماهیر شوروی اقدام به پیش
نهادت دولت شوروی و ارجح بنا بر تلف
شکل تپس از جی دانه شورد از
شرکت کنندگان در بیکته خبری شوی
حسن جامی دکتر قوم تپس

باز از مشهد

مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
خودسری و نوشت های بی دوس
دولت ساعد که برخلاف واقع بود
وطن خواد سرش قدیم بعضی رسیده
هرزرت مشتاق و بیادری بنده بکن یان می
گند که این دولت فاسد با سیاست یک
جانبه منحوس خود بین عزیز مراهبه
بریکه ملاکت و فلاکت میکنند
تشکیلات انبث حزب توده ایران در
خراسان ثابت و نوشت های اوابت خود
را سبت باین کینه تنگن اعظم میکنند
وامادامی که این دولت از تپس کنار
نشود بازرد خود را ادامه خواهد داد
کینه ایسانی حزب توده ایران در
خراسان

باز از مشهد

مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود
مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود

باز از مشهد
مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود

باز از مشهد
مجلس شورای ملی و نوشت آذربای
دولت ساعد در صورت زمامداری خود

مظفر فیروز را به آمریکا راه

تشنه ادب داد
میکرونه آقای مظفر فیروز برای رفتن به آمریکا دو سه کی میکنه . ولی عقیده مظفر اینست که ایشان راه آمریکا راه نظیر راهند ما برای اینکه هنگام ماکلری سابق خود با نام آقایان مشروبات الکولی برودنه مظفر فیروز راه را یکی میگویند آقای مظفر فیروز از بیت صحت و درست فایده شایسته نصل اجازه نباشند گویا ایشان مرص هستن

آذربایجانی ز امید و مایوس است

و صحت کونی آن در آذربایجان فیروز بهتر و خوبتر از آن است بکاری ساعت ۱۰ ساعت هم را تپون میکند و بر سر همه بکاران دقیقه دقیقه میازناید
مفانه گفته خبر ابتیاز (فتش مال) مولی غوری نسبت باهالی آذربایجان علیه وقت طلب و ماهی خرنستی بشود ما نه تنها کارگران و بسکاران بلکه متولیان و ترورنندان آویشن این غیر فوق الامده مرور و شوشار بورانه متشفانای پس از چند روز دیگر خبری در تاینج امتیاح مثاله مبرور حاکم بود هم را نا امید و مایوس اهالی را تا به یک انداره آزودت و مجلس منجر ساخت با ای اهالی آذربایجان پایه همیشه در آتش قرصه خلدات سوخته و بسوزد و کزاد در آتش افروزش ببرد و توجه دولت نسبت بیان سامان میشه . بیخون سردی و بدینی بر آید مخصوصا اهالی ایران مخصوصا آذربایجان میجودت

آگهی حضور وراثت

بتاریخ ۱۳۳۳ - ۱۳۳۲ آقای رسول بامدی بنامنامه شماره ۱۷۷۷۱ باستاند بکیرک کوه اهبانه و رونوشته نامنامه شماره ۲۳ و ۲۱ ۱۶۶۹ داده باینکه مرحوم نفی بامدی دارن نامنامه شماره ۱۷۷۲۲ در تاریخ اول مرداد ۱۳۳۲ در تهران جایگه هیشگی خود وراثت یافته و مناقض اول معتمد بامدی بنامنامه شماره ۲۴۹ برادر اویش و با توجه جایی شیرانی بنامنامه شماره ۳۶۷۶۷ تومو و وراثت منحصرا میباشند پس از ششون گواهان مراتب سه نوبت متوالی مایوس بیکار ای میشود با گذشتن مدت سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی و نبودن مرضی بر حسب تقاضا اقدام خواهد شد و بر این امر مهیستبانه از انوشه دارد در طرف منعت مزبور برای و الا هر وقتنامه غیر از رسن و غیره اسرار از خود از درجه استیاز سائل خواهد بود .
نویس اول ۲۳۸۸۸۸۱۱
رقیب کل دادگاههای بخش تهران علی اکبر امامی ۳۵۹ ش

آگهی

منظور اینکه هم اهالی شهر بتوانند در هر هفته سکونت باشند باسر وقت مراسمات بانکی خود را انجام دهند و احتیاج نداشته باشند بداروه مرکزی بانک مراجعه نمایند بانک ملی ایران به باجه در نقاط زیر افتتاح کرده است:
> خیابان سیه جنب پستخانه
> امیریه
> خیابان امیریه و و بوری خیابان دره ان راضی
> شاهرخا
> انتهای غربی خیابان شاهرخا و بوریوی بسب زین
> سیه
> خیابان سیه دروازه شیران
> شاهرور
> میدان شاهرور
> میدان شاه
> خیابان ری
> میدان شاه
> سرامطرس
> سرامطرس
> چهارراه گاوندهک سرای نردوسی
> بازار
> خیابان حاج حسن
> مولوی
> خیابان مولوی و بوریوی بازارچه سیه ابراهیم
این باجهها عملیات ذیلرا انجام میبند بانک ملی ایران می نماید
۱ - باز کردن حساب جاری
۲ - باز کردن حساب پس انداز
۳ - قبول برات همده شوهرستانها و تهران برای رسول
۴ - صدور حواله پستی و تلگرافی همده شیبها و نمایندگیها
بانک ملی ایران از همو مشتربان خود تنها دادود مرگه کوچکترین خس در حسابات باجهها مشاهده فرمودند باینکه برین هم و ضایعی از سلوک کومندان آنها داشته باشند مراتب را اطلاق برینش همه مرکزی بنا برینش شده بازار بازرین اداره بازرین کل بانک اطلاع دهند تا در وقت آن اوضاع اقدام شود و از این راه به تکمیل سازمان بنکاه ملی خودشان کمک نموده باشند. ۲-۲

نگارگران از مشهد

مجلس شورای آذربایجان در روز شنبه ۲۳ آذر ۱۳۳۲ کابینه ساهه آذربایجان و نروانسان را سیه میکند و انضمامت کنون اوچر به بخنی ملت ایران نتیجه همراعه داشت بنام ملت جوان ایران بر کناری ای زمانه دار نالتیق را خستناوریم سازمان جوانان حزب توده ایران در غرضان

موژیکها

دستان موژیکها از طرف ترجمه آذای کریم گنجاوروز از جانب خارج در اداره آذربایجان و کتابخانه آکادیا افرار جلوی در باطل جروش همده .

چاپخانه داد

براست نگاه میکردم این اولین زنی بود که دیدم اینطور آرام و بی تکلف حرکت کند کجنگاری خوشی را با تصنع تمام ننماد . خطوط چهره اش نیز کلاه بره زبانی و حالت مفرصی داشت . او در حین حال مر میخواب و تحریک نمیکرد . بیثباتی مرا مدتها آه و انا بردارد . در هر حال مشهور بود که کلا نسبت بسن ای اعتنا میباشد . ممالک ناگهان از من پرسید که سرخانه ای هست . من بدون اینکه بنیادیم پاسخ دادم که استاد الکتریسینه هستم .

درس روس و انگلیسی

لذات از باساز بازار - پهلوی روزنامه آذربایجان از روز دهم آبان شروع میشود
ناونویسه روزی از ساعت ۸ تا ظهر و از ۴ تا عصر ۳-۲

بقلم آنطاول فرانس

نگاه نمروانه بین افکنده گفتم:
> بایه بیکوم که مردان نیز برهنه هستند و قبیل زنده بایه کستانغان را نام برم
> از این سخنان در یادم که مشارالیها ماسرتر از آن است که من بداندتم . این همه با زبان سخن گفتم که هادان در ن موازید بکارم بریم . بعد از چند کلام بر سرور و بسیکه گفتی:
> خواهش میکنم لطفی در باره من بکنید و نام خود را بین بگریه . . .
> شرون گفت:
> من نام شخصی ندارم
> مشارالیها گفت که این پاسخ بنظر من خوش آید یا مرمو بالئن نریحید ای دیدم:
> آ با تو تصور میکنم زن برای اینکه بسنه واقع خود بر آید بهای خنیا باهانه زمان خود حقیقه اسم شخصی داشته باشد و ماسرگرت ، ترز بازان نامیده باشد .
> من جواب دادم:
> استغفرالله - شخصی خلا این را من ثابت نمیکندم و من در جستجوی نگاه او بودم ولی بیانشی گویی نشنیده است چه گفتم . من شکلی نداختم . در لالی نمیکرد و من در پوست خود نی کنییم . گفتم که زیا وادابر است و دوستش داوم و دیواره و سه پاره گفتم .
> این چیزها چه معنی دارد ؟
> من مهلتش ندارم و نودبیک تر بپنمود خود میگذرد و گفت:
> این روش وحشیان است . . .
> گفتم:
> مگر از من بدتان میاید ؟
> پاسخ داد که چنین چیزی نگفته است .
> شرون ۱ شرون ۱ برای شا چه ماه ای دارد که . . .
> در تاریخ دومین بروی لیکن نشنیدم .
> من دستش را بر گفتم و در وی لایم بردم . . .
> ناگهان دیگر که جزی حس کردم وله دیدم ودر بستم خوابیده بودم ، دست بچشم مالیدم و روشانی صبح آزاردم می داد و بیخندتم بمالالت ایامه جان من ایستاده و میگفت:
> آقا ساعت نه است . فرموده بیدار ساعت نه بیدارتان کنم . آدامه مرض گیم که ساعت نه است .

« پایار »

ترجمه کریم کشاورز

بر فراز سنگ سفید

من بر خامش واز همراهان خویش وحسن نیت آنان باسنگکاری کرده و از مورن تقاضا کردم که لطف کرده به یک پرشت دیگر من هم پاسخ دهم و گفتم:
> آ با شا دین ندارید ؟
> من پاسخ دادم:
> بر کسی آید بیاری داریم و برش از آنها تپاویورتو . مثلا در فراسه مذهب بشری و پوزیتویزم و مسیحیت و سیریتیزم وجود دارد . در سنی نومی هنوز کاتولیک ای میشود ولی مسودند و به ممالک مذهب لومب سدالده و اینجین به اختلافی است که در قرن بیستم پس از افکند و وحسانت از دولت صورت گرفت . مدتی است که پایک هم وجود ندارد . . .
> میثک گفت:
> اشتباه میکنی - هنوز یک باب وجود دارد - نامدادا من با او آشنا شدم او بی بیست و پنجم نام دارد و در خیابان لاورسو در شهر رم زندگی میکند .
> من فریاد بر آوردم و گفتم:
> چگونه ممکن است باب رنگرز باشد ؟
> معطای من جواب داد:
> جای تسمه نیست - آخر او هم بایه - تا سارین جرنه های داشته باشد که زندگی کند . .
> من پرسیدم که وضع کلیتایش چطور است
> جواب داد:
> کلیسا و مذهبش را چند هزار نفری در اروپا بر میست می شناسند . .
> پس از رد و بل این سخنان ما از هم جدا شدیم و میشال من کتک که منزل در میجاورت خانه شرون خواهد بود و مشارالیها مرا بدایها هدایت کرد .
> شب بود و میلهایک روشانی ملایم در دهن حلال نالقی همه جا را فراگرفته بود من در کنار شرون در ایترتم باو مینگریستم کفش های پاشنه کوتاه روشی را استوار و بندش را مژودن جلوه میداد
> گرچه لباس مرده اندامش را که کوچک تر از آنیه بود ظاهر میکرد و با اینکه یک دست او در جیب نهاده بود - وضع حرکت ساده ای خالی از هر شور نبود . آژادانه جیب

آیا میهن پرست هستید؟

یقه زامانه اول

ها بود بهتر بگذراند خدمت مربوطه
 ما بومرغ ایبرا بگفته است
 سربازیش رضا خان و سیاست
 بیادگاری میر است ساله و مجال دوره
 دیکتاتوری غیر از آن تمبر دیگر
 ندارد .

اگر چه جنگ جهانی دوم پایه این
 نقشه شور ما منزلت کرده است و نیزه
 توپهای ارتش سرخ آن زنجیر زمانه
 تار شکست مهر و نابود نموده است
 با وجود این در کشور ما رجال نام
 می خواند که بپوشه خدمت سرباز
 دیگر فکر کرده از زینت بیابان سیاست
 رضا خان که شنبه وادب بازی ارتجاع
 جهانی بیانی در سبقت نظر نمانند

اینها هنوز هم بی هیبتند که آن
 کلاه شمشکند و آبی میانه و رنگه است
 روز بزرگنیری آزواج بی رنگه
 پتی تقسیم آلمان در مقابل ارتش
 سرخ دارد خود را نابود نسایم - سر
 میکند - دمای فردا خواهد بخواهد
 با نخواهد نابود است همل دروغی که
 عالم بشریت را از جنگ ارتجاع بیگانه
 داد بخت با یورد و حرف آتری او
 برود .

ما از منظور یوانی اینها بی اطلاع
 نیستیم ما میدانیم برای چه می خواهند
 پیش ازخانه جنگ داخل مکر کرده شوند
 اینها مخالف میباشند بکنار دیگران
 بی الهامی میباشند است وقت بگذرد
 رضا خان دیگر سنگی است روی کار
 بیاید و ایران از نو به یکی از سلفه
 هائز جدید محاصره دور شوروی تبدیل
 گردد .

این ها از دولت شوروی تیرتیرند
 شاید دولت تراری روی کار بود همین
 آفتابان با آفتوش با زینت باد او را
 استقبال میکردند- اینها از آزادی و
 آزادی خواهان می ترسند این ها می
 ترسند اگر لود دولت شوروی در
 ایران تومعه پیدا میکند اینها مستحان
 آرزوی خود را فراموشی و زود کرده
 قدری کوتاه شوند .

اینها دلانان آزواج و
 الللی هستند که بیست سال کشور ویران
 تاریکی و جهالت کماحقه فرست های
 بزرگی که پیدا شده بود وادار کردند
 ملت ایران آبله را از دست بدهد .
 ما اینها را خوب می شناسیم بیام
 مداران دنیا چنان نموده انتشار میدهند
 تصادفی نیست همه مثل اردک و وشه
 دارد .

اکثریت مجلس و اکثریت هیئت
 وزیران و نظارتها روزنامه های جدید
 وکرت همه از یک سر چپه است آن
 همه به یک هدف دارند - آن م
 ترویج ارتجاع بی الهامی است تقویت
 فاشیستی تقویت و تکمیل رژیم فاشیستی
 و گردن کلفتی است
 ما در شماره پانزده آینه آمده برده
 از روی کار برداشته شد آفتابان را
 واضعتر خواهیم داشت .

معلومات فاشیستی سنی

معلوم نیست آقای دکتر میزبویچه حق در شرکت
 بی یکدمه ملت شور
 می کاره مانده فرزند آقای ملک علم
 سنی در آن شرکت که هرکدام کابل
 هیچگونه دلیل و مرقانونی اشراج
 مایبوتگیشش معلوم است او هر چه
 می خواهد برای این کار کویا تسلیم
 تازه حرکت بیبه با بانک ملی چه
 کمال و رشوات استقامت میکند و این
 آینه اوضاع و احوال را کلازا کرده است

اصطیانا

جنگ برای آزادی را از سر گرفته است

باید از صلح اول
 و بنقد قراردادهای سیاسی و اقتصادی
 و زمانی با آتو بد برداشت و با
 باری و مساعدت اینها دولت با بتکمیل
 موفقیت خود درسیانی متخول شد
 و شروع جنگ گزینی بنج حاصل
 بود که دولت از آن گدوش بیوش بجهت
 بر علیه متفقین وارد جنگ خواهد شد ولی
 این اقدام جنگ موقع متغی می شود
 گردید .

بمذاکت شوکت دولت فرانسه
 میرفت که این شوکت مقتضی فرایضه
 وای بوجود ملاقاتی کشه بین هینتی و
 فرانکو در مزر فرانسه روز آتی داد این
 پیش بین میانی شده از آنکه نیرو
 های آلمان در ۲۲ ژوئی ۱۹۴۱ جنگ
 اتحاد جماهیر شوروی بای تیرس را
 گذاشته و ژرمن با شیت آسپا با
 اعزام لشکر های - برهان آ تی
 خود بجهت شوروی لشکری خود را
 قوای محور تات نموده اکثریت
 این میهایان در جهت شوروی از دم
 تیغ نیز و کلاه های مرگام سیاهیان
 شوروی گذسته سداکت نامگام این
 هیجاری آت نان باقوای آلمان بر علیه
 شوروی است اراده داشته است .

بمذا آتکه قوی محور از افریقا
 وانه شده - آتکلیها درجه شوروی
 انکشت مواج گردیده و علاوه
 ایتالیا از برای در آرمه زمانه ماران
 با داذن یکرشته میباید در وضع هیت
 دولت ورده سیاسی خود در دولت دولت
 های انگلیسی و آمریکا در صد مانور
 سیاسی برآمده و شوایتنه ارن
 دولت برای تحکیم مواجتهت
 بپوشه وحی برای خوش آتکلیان
 از صادرات خود با کمال کشته و صدور
 پریشی فلزات مورد احتیاج آلمان را
 ظاهره نقلین دادند .

این مانور سیاسی کرچه مورد
 رضایت متفقین باختری قرار گرفت
 منقله در معیوضات و جرایب شوروی
 تقبیری ابید در وقت تقبیری در وقت
 زامداران مسکو در مورد حکومت
 الماسیت سیاسی پیدا در ساختن وحی
 حلاصت محافل سیاسی مسکو با گونه
 فعالیت های زامداران مادریه شدید
 ترمیکریدند .

حمایتی که چندی پیش آتای چرچیل
 در سخن یک نقطه بسیار مهم از ژرنال
 فرانکو و حکومت مادرید نمود و ملاقاتی
 که متنازله بود در ضمن یکی از مسافرت
 هایش با رئیس دولت اسپانیا کرد
 و معافلی سیاسی انگلستان بر گرد
 رضایت خود می نشانی شده و همه
 این از نایبمستان مجلس به سیاست
 چرچیل در این حینت از ژرنال فرانکو
 جمله گردید .

این وضع ایی بوده تا آزاد شدن
 معلوم نیست آقای دکتر میزبویچه حق در شرکت
 بی یکدمه ملت شور
 می کاره مانده فرزند آقای ملک علم
 سنی در آن شرکت که هرکدام کابل
 هیچگونه دلیل و مرقانونی اشراج
 مایبوتگیشش معلوم است او هر چه
 می خواهد برای این کار کویا تسلیم
 تازه حرکت بیبه با بانک ملی چه
 کمال و رشوات استقامت میکند و این
 آینه اوضاع و احوال را کلازا کرده است

آذرب

اصطیای داد وحی

مختارما صادی بانه و جبرو فریاد
 هرت مبدارد ۱۵۰۰ و جب ۳۶۲ نفری
 آتای معنای اینجی معنای سرباز
 ۶۶ رشت در خانه علی جان شاهین
 سرب ملای محمداورد و با مشورعی
 از مزارف محل احترام آسوده روزگرد
 معنه را با زود خود در آسوده نشی
 تمامه عقد با شرفیات ایجاد کرده
 در خود هشتاد نوم برای زوج
 اساسیه عروس خریداری و بیست روز
 تمام زوج در منزل تنیبات وقت آمد
 تمامه اشرا قوی برای آتکلیان
 شپه مقدس رفته روز بیست معلوم
 کرده (علی صدیق باه) با در پرس داد
 سرای سرمتان رشت متنازله و افعال
 واورا در معنای آتکلیان و سرباز
 خانچهره موقودا اینچا ابار خود
 خود در آورده مرانسرا آتکلیا شماره
 ۸۲۵۰۰ ۳۳۷۰۰ بوزارت دادگستری
 و آذربایجان و معنای جواب آتکلیان
 گردید و بیست و بیست و بیست و بیست
 بیست کلانتری محل بیست داد سرا
 رشت نوشته و نوشته و بیست و بیست
 سربسگی است و او بود این هنو معنای
 (علی صدیق باه) تمامه ابار دومین خود
 کرداری میزبایه شا که از زمان هشتاد
 معنای آتکلیان برای ایران می باشد
 اما دست توپهای معلوم جنبه و
 تمام بغداد من حیث
 زیر کویچه منزل شیخ موسی جوادی

اعلام جرم

ملازمین افسانها و کاذب

تقصیب شیخ

چرا و زوات خارجه حکومت اختیار کرده است؟

در شماره گذشته ۲۳ مرداد ۱۳۶۰ روزنامه رده امروز خبر زیر درج
 شده است :
 بطوری که اطلاع بدست آمده ام آتای دولت رئیس جمهور
 امریکا نامه ای رسا بوسیله سفارت ایران در واشنگتن بدولت ایران وخته
 که مفاد آن بزواو زمت
 چون دولت دولت امریکا بپهرمی متفقین خود برای حفظ آزادی ملل
 در صف دولت در برابر دولت قوی و متجاوز نبرد می کنند و دولت
 ملت در علی چهار ساله با نهایت صداقت و قدرت خویش جان و مال خود
 را فدای حریز متفقین کرده بنابراین دولت امریکا معصم است و خود را موظف
 و منهدم می سازد که نسبت به ملت و دولت ایران و حفظ حقوق و صیانت
 استقلال آن قسسی در نظر دارد که برای رشتن سار دولت قوی نسبت بهول صیانت
 نوره ای و در وضعش کوتاه بود .
 بقرار اطلاع من این نامه تکرازا از واشنگتن تهران رسیده است .
 بطوری که با تحقیق کرده ام این نامه ساختگی است و بپهرجه چنین
 تکرازا بیوزارت امور خارجه ارسیده است .
 این اشراکات ایی شوب کردگان اذعان عموم و بیست و بیست و بیست و بیست
 متفقین انجام میدهند .
 ما که ببقی رواته ایران با همه ایسکان خود دولت امریکا ملاقاتیم و
 مایلیم که برای بقای صلح و صلح این متفقین همیشه سنه باقی باشد این دلیل
 شراکت که بزبان ضرر کشور ما و نایب تیرگی رواته با این نسبت است شدیدا اعتراض
 میکنیم و از وزارت خارجه میخواستیم که این خبر را که حقیقت ندارد و ساختگی
 کتبه و آتای داستان دستور تقبیب انتشار معنه را بگذارد .
 آتای دولت فقط در منطق اخیر خود گفته اند که ما با سایر ملل
 بزرگ از شریک معاضه ایی بوده با شاید روزی فرانسه که بنا بر تقویم بر ایران
 ها نیز بشیر بردازیم .

مشق کتب محترم

اگر روزنامه شما نامتعد ده نرسید به تان ۵۷۰۰ بنگه زربخش اطلاع
 دهید تا فوراً ارساله شود .